

Structural and semantic analysis of sentences with two negative elements in Persian

Maryam Arghavani^{*}, Arsalan Golfam^{}**

Azita Afrashi^{*}**

Abstract

Negation is a cognitive and rational phenomena that reflected in human language in different ways. The purpose of this paper is to study the structure and semantics of different types of sentences in Persian in which there are two negative elements. Double negation and negative concord structure are two well-known types of these structures that have been extensively studied in various languages and they have also been dealt with in Persian. But in addition to these two, Persian has various structures in which two negative elements are used and have not been studied structurally and semantically. The results show that sentences containing two negative elements can be structurally classified into 11 categories and the analysis of their semantic aspects shows that interaction of two negative elements in a single sentence creates a complex semantic situation, that its analysis requires adopting a continuum-based approach to the concept of negation. In other words, although affirmative and negative concepts are introduced in linguistics under the category of

* PhD Candidate of Linguistics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, arghavanimaryam@yahoo.com

** Associate Professor of Linguistics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author), golfamarsalan@gmail.com

*** Associate Professor of Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran, afrashi.a@yahoo.com

Date received: 2021/07/18, Date of acceptance: 2021/09/12

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

polarity, these two concepts in no way are polar or binary, but they are spectral and continuous.

Keywords: negation, double negation, multiple negation, polarity, negative polarity.



بررسی ساختاری و معنایی جمله‌های دارای دو عنصر منفی در زبان فارسی

مریم ارغوانی*

ارسلان گلغام**، آرزینا افراشی***

چکیده

نفی یکی از پدیده‌های شناختی و عقلانی است که در زبان بشر به صورت‌های مختلف انعکاس می‌یابد. هدف از جستار حاضر بررسی ساختاری و معنایی انواع جمله‌هایی در زبان فارسی است که در آنها دو عنصر منفی وجود دارد. نفی مضاعف و ساختار توافق منفی دو نوع شناخته‌شده از این ساختارها هستند که در زبان‌های مختلف به‌طور گسترده مورد بررسی قرار گرفته‌اند و در زبان فارسی نیز به آن‌ها پرداخته شده است. اما علاوه بر این دو، فارسی دارای ساختارهای متنوعی است که در آنها دو عنصر منفی به کار رفته و تا به حال از لحاظ ساختاری و معنایی مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش پیکره‌بنیاد که براساس داده‌های مستخرج از شبکه اجتماعی اینستاگرام (مشمول بر ۹۲۱ جمله فارسی) انجام شده نشان می‌دهد که جملات حاوی دو عنصر منفی از لحاظ ساختاری قابل طبقه‌بندی به یازده دسته‌اند و تحلیل جنبه‌های معنایی آن‌ها نشان‌دهنده آن است که تعامل دو عنصر منفی در یک جمله واحد وضعیت معنایی پیچیده‌ای را به وجود می‌آورد که تحلیل آن مستلزم اتخاذ رویکردی پیوستاری به

* دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،

arghavanimaryam@yahoo.com

** دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

olfamarsalan@gmail.com

*** دانشیار زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران، afrashi.a@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۰

مفهوم نفی است. به عبارت دیگر، هرچند مفاهیم مثبت و منفی را در زبان‌شناسی تحت‌عنوان مقوله «قطبیت» مطرح می‌کنند، اما این دو مفهوم به هیچ وجه قطبی و صفر و یک نیستند بلکه طیفی و پیوستاری‌اند.

کلیدواژه‌ها: نفی، منفی‌سازی، نفی مضاعف، نفی چندگانه، قطبیت، قطبیت منفی.

۱. مقدمه

نفی پدیده‌ای زبانی، شناختی و عقلانی است که در تفکر انسان نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند (لالر (J. Lawler)، ۲۰۱۱: ۵۵۴). نفی معمولاً در مقابل اثبات مطرح می‌شود و این دو مقوله به‌نوعی هم‌گزاره‌های منطقی و هم‌جمله‌های زبان را به دو قسمت تقسیم می‌کنند. به عقیده هورن و کیتو (L. Horn & Y. Kato) (۲۰۰۰)، برخورداری از مقوله نفی و وجود پاره‌گفتارهای منفی یکی از مشخصه‌های منحصر به فرد نظام ارتباطی انسان است که در بین سایر جانداران مشاهده نمی‌شود. نفی در زبان‌های بشری به صورت‌های مختلف تحقق می‌یابد بحث نفی و منفی‌سازی از مباحثی است که در حوزه‌های مختلف علمی از قبیل فلسفه، منطق، زبان‌شناسی و روان‌شناسی همواره مورد توجه و علاقه پژوهش‌گران بوده است. نفی از لحاظ معنایی دلالت بر فقدان و نبود دارد. برای مثال، اگر زیبا بودن کسی نفی شود به این معناست که آن فرد فاقد ویژگی زیبایی است (ریو زامورا (V. Río Zamora)، ۲۰۱۴: ۲-۳). به اعتقاد جاگر (A. Jäger) (۲۰۰۸: ۱)، نفی پدیده‌ای است که در همه زبان‌های طبیعی یافت می‌شود هرچند در نحوه بیان آن در زبان‌های مختلف تفاوت‌ها و تنوع‌هایی وجود دارد.

مطالعات رده‌شناختی متعددی که درباره نفی و منفی‌سازی در زبان‌های مختلف دنیا صورت گرفته است (مانند میستامو (M. Miestamo)، ۲۰۰۵) نشان می‌دهد استفاده از دو یا چند عنصر منفی در یک جمله پدیده‌ای رایج و طبیعی در بسیاری از زبان‌هاست. بنابراین، می‌توان گفت که نفی چندگانه یک راهبرد پراستفاده در زبان‌هاست که در آن بین دو یا چند عنصر منفی تعامل پیچیده‌ای می‌تواند شکل گیرد. همان‌طور که سانز آلونسو (B. Sanz Alonso) (۱۹۹۶) می‌نویسد، نفی مقوله‌ای معنایی، نحوی و صرفی است و همه سطوح جمله را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. در نتیجه، پیچیدگی و تنوع حاصل از حضور و

بررسی ساختاری و معنایی جمله‌های دارای ... (مریم ارغوانی و دیگران) ۵

تعامل دو یا چند عنصر منفی در یک جمله می‌تواند به پیچیدگی معنایی و نحوی جمله منجر شود.

هدف پژوهش حاضر بررسی ساختاری و معنایی انواع جمله‌هایی در زبان فارسی است که در آن‌ها دو عنصر منفی وجود دارد. دو نوع شناخته‌شده از این ساختارها عبارتند از نفی مضاعف (مانند «نباید او را نادیده گرفت») و ساختار توافق منفی (مانند «هیچ‌کس نیامد») که در زبان‌های مختلف به صورت گسترده مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بلانچت (F. Blanchette) (۲۰۱۵) تفاوت بین ساختار توافق منفی و نفی مضاعف را به این صورت بیان می‌کند که در جمله‌های توافق منفی، یک معنای نفی توسط دو یا چند واژه منفی بیان می‌شود اما در نفی مضاعف وجود دو عنصر منفی به پیدایش معنای مثبت منطقی منجر می‌شود (۲۰۱۵: iv). علاوه بر نفی مضاعف و ساختار توافق منفی، در زبان فارسی ساختارهای متعدد و متنوعی مشاهده می‌شود که در آن‌ها دو عنصر منفی به کار رفته است و تا به حال از لحاظ ساختاری و معنایی مورد توجه و بررسی جدی پژوهشگران قرار نگرفته‌اند. پیکره داده‌های پژوهش حاضر مشتمل بر ۹۲۱ جمله نوشتاری غیررسمی فارسی است که در آن‌ها دو عنصر منفی یافت می‌شود. این جملات از پست‌های منتشرشده روزنامه‌نگاران در شبکه اجتماعی اینستاگرام استخراج شده‌اند.

۲. پیشینه پژوهش

یکی از قابل‌توجه‌ترین مطالعاتی که درباره نفی و عناصر منفی‌ساز در زبان فارسی انجام گرفته پژوهش کواک (S. Kwak) (۱۳۸۷) است. وی عناصر منفی زبان فارسی شامل نشان‌گر نفی، عناصر حساس به نفی که شامل عناصر قطبی منفی و عناصر توافق منفی هستند و افعال ذاتاً منفی را طبقه‌بندی کرده است. وی همچنین به بحث درباره نفی مضاعف پرداخته و آن را ساختاری دانسته است که در آن دو عنصر منفی یک‌دیگر را خنثی کرده و معنای مثبت ایجاد می‌کنند. وی به پیروی از زیلسترا (H.H. Zeijlstra) (۲۰۰۴) نفی مضاعف را به دو گروه نفی مضاعف محض و غیرمحض تقسیم می‌کند. تفاوت بین این دو ساختار این است که در نفی مضاعف محض، دو عنصر منفی در یک بند قرار می‌گیرند در حالی که در نفی مضاعف غیرمحض دو عنصر منفی در دو بند متفاوت قرار دارند.

کواک و درزی (S. Kwak & A. Darzi) (۲۰۰۶) با بررسی نحوی و معنایی عبارت‌های حاوی «هیچ» در زبان فارسی، نشان داده‌اند که این عبارت‌ها را باید جزء عناصر توافق منفی به حساب آورد و نه عناصر قطبیت منفی. از نظر آنها، این عبارت‌ها ذاتاً منفی‌اند و شاهد آن را قابلیت استفاده از این عبارت‌ها به‌عنوان پاسخ منفی به جملات سوالی می‌دانند: - چي خوردی؟ - هیچی.

کواک (۲۰۰۹) به تجزیه و تحلیل انواع جمله‌های منفی در زبان فارسی پرداخته است. به عقیده او، زبان‌ها غالباً یا ساختار نفی مضاعف دارند (مانند انگلیسی و کره‌ای) یا ساختار توافق منفی (مانند ایتالیایی). زبان‌های دارای نفی مضاعف تمایل به استفاده از عناصر قطبیت منفی دارند در حالی که زبان‌های دارای توافق منفی تمایل به استفاده از عناصر توافق منفی دارند. البته در مواردی مشاهده می‌شود که یک زبان هم از عناصر قطبیت منفی استفاده می‌کند و هم از عناصر توافق منفی (مانند یونانی و فارسی).

کواک (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که فارسی برخلاف بسیاری از زبان‌های دنیا، برای منفی‌سازی هم از عناصر قطبیت منفی استفاده می‌کند و هم از عناصر توافق منفی. عناصر قطبیت منفی دارای مشخصه [-neg] هستند در حالی که عناصر توافق منفی مشخصه [+neg] دارند.

شقایقی (۱۳۸۱) پیشنندهای نفی فارسی را شامل «بی، یاد، ضد، غیر، لا، نَ و نا» دانسته و بر این اعتقاد است که این پیشنهادها برای ساختن کلمات منفی یا متضاد درجه‌پذیر یا قطبی به کار می‌روند. شقایقی در اشاره‌ای کوتاه، کاربرد نفی مضاعف را صرفاً محدود به «تأکید بیشتر» می‌داند. وی همچنین بین نفی نحوی و نفی صرفی و نیز بین نفی سازه‌ای و جمله‌ای تمایز قائل می‌شود.

آقایی (B. Aghai) (۱۹۹۳) پس از بررسی الگوهای نفی در زبان فارسی چنین نتیجه می‌گیرد که فارسی در رده زبان‌های دارای نفی ساختوازی قرار دارد و صورت‌های نفی معیار در این زبان شامل «نَ و نِ و نه» است. منصوری (۱۳۹۰) قائل به وجود نفی اسمی در زبان فارسی است و «عدم» را اسم منفی‌ای می‌داند که در بعضی بافت‌ها برای بیان مؤدبانه نفی به کار می‌رود، مانند جمله زیر:

- پیشنهاد رئیس‌جمهور با عدم استقبال نمایندگان روبرو شد.

از نظر منصوری (۱۳۹۰)، کاربرد «عدم» وابسته به ویژگی‌های سبکی و کاربردشناختی است و به منظور پرهیز از کاربرد مستقیم نشانگر منفی استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، جمله فوق معادل «پیشنهاد رئیس‌جمهور با استقبال نمایندگان روبرو نشد» است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، تا کنون هیچ پژوهشی که به‌طور خاص به بررسی ساختارهای حاوی دو عنصر منفی در زبان فارسی پردازد انجام نشده است. در مطالعاتی که پیرامون موضوع نفی و منفی‌سازی در فارسی انجام گرفته، چند ساختار حاوی دو عنصر منفی شامل نفی مضاعف و توافق منفی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته‌اند (مانند کواک، ۱۳۸۷، ۲۰۰۹، ۲۰۱۰) اما به سایر ساختارهای حاوی دو عنصر منفی که در پژوهش حاضر شناسایی و تحلیل شده‌اند، اشاره‌ای نشده است. با توجه به این خلأ مطالعاتی، در پژوهش حاضر کوشش بر این است که طبقه‌بندی و تحلیل ساختاری و معنایی جامعی از انواع جملات حاوی دو عنصر منفی در زبان فارسی انجام گیرد.

۳. ملاحظات نظری

هر زبانی مجموعه‌ای از عناصر منفی مختص به خود دارد و برای استفاده از آنها قواعد خاص خود را داراست (لالر (J. Lawler)، ۲۰۱۱: ۵۵۵). در یک طبقه‌بندی بسیار کلی، نفی را می‌توان مشتمل بر دو دسته نفی منفرد (یا ساده) (simple negation) و نفی چندگانه (multiple negation) دانست. وقتی که سخن از نفی چندگانه به معنای حضور دو یا چند عنصر منفی در یک جمله گفته می‌شود، اولین ساختاری که به ذهن می‌آید ساختار نفی مضاعف است. نکته کلیدی در تعریف نفی مضاعف این است که ماحصل جمله دارای دو عنصر منفی باید منفی باشد و نه مثبت. یعنی در عنصر منفی نباید یکدیگر را خنثی کنند. البته در تعریف نفی مضاعف بین پژوهشگران اختلاف نظر وجود دارد. ریچاردز و اشمیت (J. C. Richards & R. Schmidt) (۲۰۱۰: ۱۸۴) نفی مضاعف را ساختی تعریف می‌کنند که در آن دو واژه منفی به‌کار رفته است. برای مثال در انگلیسی غیراستاندارد I never seen nothing به جای I haven't seen anything به کار می‌رود که ساخت نفی مضاعف است. به اعتقاد آنها، حاصل نفی مضاعف یک جمله مثبت نیست بلکه برای تاکید به کار می‌رود.

کوپر و همکاران (L. de Cuypere et al.) (۲۰۰۷) نیز نفی مضاعف را نوعی نفی چندگانه تعریف می‌کنند که در آن دو عنصر منفی ساز به کار رفته است.

زیلسترا (۲۰۰۴) توافق منفی را به دو گروه محض (Strict NC) و غیرمحض (Non-Strict NC) تقسیم کرده است. توافق منفی محض ساختاری است که در آن یک فاعل منفی، مانند «هیچکس» یا «هیچ چیز» در فارسی، با یک نشانگر منفی روی فعل همراه می‌شود. زبان فارسی مانند روسی جزو زبان‌های دارای توافق منفی محض قرار دارد. توافق منفی غیرمحض ساختاری است که در آن فاعل منفی نمی‌تواند با نشانگر منفی همراه شود.

لیچ (G. Leech) (۲۰۰۶) توافق منفی را اصطلاحی معادل یا نفی مضاعف یا نفی چندگانه می‌داند که به ساختاری اشاره می‌کند که در آن دو یا چند واژه منفی در یک بند حضور دارد اما معنای نفی منفرد از آن استنباط می‌شود. مانند He didn't say nothing در گونه غیراستاندارد زبان انگلیسی. از نظر لیچ (۲۰۰۶)، واژه منفی به واژه‌ای اطلاق می‌شود که معنای یک بند یا جمله را منفی می‌کند؛ یعنی نقش آن منفی‌سازی است. مهمترین واژه منفی در انگلیسی not است که گاهی ادات منفی نیز نامیده می‌شود. بجز not واژه‌های دیگری نظیر no (صفت)، none, nobody, no one, nothing (ضمایر) و never و nowhere (قید) نیز جزء واژه‌های منفی انگلیسی به شمار می‌روند. کارکرد این واژه‌ها شبیه not است. اگر بگوییم Nobody was asleep معادل این است که بگوییم Everyone was not asleep و به این معناست که Everyone was awake.

پژوهشگران حوزه نفی در زبان‌های مختلف دنیا، طبقه‌بندی‌های متنوعی برای این مقوله ارائه داده‌اند. پاین (J.R. Payne) (۱۹۸۵) مقوله نفی را در زبان‌های دنیا از لحاظ رده‌شناسی به چهار دسته تقسیم می‌کند. ۱) نفی صرفی (ساختواژی): تکواژ منفی ساز به فعل اضافه می‌شود، مانند پیشوند «ن» در فارسی. ۲) ادات منفی ساز به صورت یک سازه مستقل ظاهر می‌شود و جمله را منفی می‌کند، مانند pas در زبان فرانسوی. ۳) استفاده از افعال منفی، مانند «انکار کردن» در فارسی. ۴) نفی اسمی، مانند استفاده از اسامی «عدم» و «فقدان» در فارسی. میستامو (۲۰۰۳) ساختار نفی معیار را در زبان‌های مختلف به دو دسته کلی متقارن و نامتقارن تقسیم می‌کند. در نفی متقارن تنها تفاوتی که بین ساختار مثبت و منفی وجود دارد حضور یک سازه منفی است اما در نفی متقارن علاوه بر این، تفاوت‌های دیگری نیز وجود دارد. کواک (۲۰۱۰) عناصر منفی را به‌طور کلی شامل سه دسته می‌داند:

نشان‌گرهای منفی، عناصر حساس منفی (Negative Sensitive Items = NSIs) و افعال ذاتا منفی. عناصر حساس منفی فقط در جملات منفی مجوز حضور دارند و خود به دو طبقه تقسیم می‌شوند: عناصر قطبیت منفی و عناصر توافق منفی.

ما در این پژوهش به تحلیل جملاتی می‌پردازیم که در ساختار آنها دو عنصر منفی وجود دارد که بنا به تعریف‌های فوق، ساختار نفی مضاعف و ساختار توافق منفی را نیز شامل می‌شود. تاکنون طبقه‌بندی مشخصی از این نوع ساختارها در زبان فارسی ارائه نشده است و طبقه‌بندی‌های ارائه‌شده صرفاً مربوط به نفی ساده (یا تک‌عنصری) بوده است که در ادامه مهمترین آنها را به اختصار ذکر می‌کنیم.

ماهوتیان (۱۹۹۷) نفی در زبان فارسی را به نفی جمله‌ای، نفی سازه‌ای، نفی مضاعف، نفی در جملات همپایه و نفی در بند متمم تقسیم کرده است.

۱) نفی جمله‌ای: مانند «بازی نمی‌کنم»، «حرف نزدیم».

۲) نفی سازه‌ای: مانند «بدون تو نمیرم».

۳) نفی مضاعف: مانند «هیچی نخورد»، «نادر هیچ‌وقت یزد نرفته».

۴) نفی در جملات همپایه: مانند «نه من چینی صحبت می‌کنم نه اون‌ها».

۵) نفی در بند متمم: «می‌دونه که فردا نمیام».

منصوری (۱۳۹۰) در یک تقسیم‌بندی کلی، نفی در زبان فارسی را به دو دسته معیار و غیرمعیار تقسیم کرده و سپس برای هر یک از آنها زیردسته‌هایی معرفی می‌کند:

الف) نفی معیار:

۱) نفی ساختوازی (پیشوند «ن»): مانند «نرفتم».

۲) اسامی منفی: مانند «پیشنهاد رئیس جمهور با عدم استقبال نمایندگان روبرو شد».

ب) نفی غیرمعیار:

۱) کمیت‌نمای ذاتاً منفی: مانند «هیچ‌کس نیامد».

۲) قیود ذاتاً منفی (هرگز، هیچ، نه): مانند «احمد هرگز دروغ نمی‌گوید».

۳) قیود منفی‌شده: مانند «- زیاد درس می‌خوانی؟ - نه زیاد».

منصوری (۱۳۹۰) اشاره می‌کند که کمیت‌نمای ذاتاً منفی همواره با نفی معیار از نوع ساخت‌واژی همراه می‌شود. وی از طرفی دیگر، بین نفی جمله‌ای و سازه‌ای تمایز قائل می‌شود، نفی جمله‌ای در واقع همان نفی ساخت‌واژی است که جزء نفی معیار به‌شمار می‌آید.

نفی جمله‌ای: مانند وضع این شهر مناسب نیست.

نفی سازه‌ای: وضع این شهر نامناسب است.

به عقیده رضایی و آزادمنش (۱۳۹۷)، زبان فارسی امروزی از چهار راهبرد برای بیان مقوله نفی استفاده می‌کند که عبارتند از:

۱. نفی ساخت‌واژی به کمک پیشوند «ن»: مانند «افسوس که زمان به عقب بر نمی‌گردد».

۲. ساختار همپایه «نه ... نه ...»: مانند «من نه ماشین دارم نه خونه».

۳. تکواژ آزاد «نه» یا «خیر»: مانند «آیا می‌توان بی تفاوت بود؟ - نه/خیر».

۴. اسامی نفی «فاقد» و «عدم»: مانند «عدم دسترسی به امکانات جاده‌ای این روستا را

مهجور نساخته است».

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر پژوهشی پیکره‌بنیاد و مبتنی بر داده‌های استخراج‌شده از متون نوشتاری منتشرشده در شبکه اجتماعی اینستاگرام است. پیکره داده‌های پژوهش مشتمل بر ۹۲۱ جمله فارسی است که در آنها دو عنصر منفی یافت می‌شود. این جملات از مجله‌ای با عنوان «چند تکه حرف» استخراج شده‌اند که نویسنده آن روزنامه‌نگاری به نام علی بحرینی است و مطالب این مجله را در صفحه اینستاگرام خود با عنوان alibahrainiofficial منتشر می‌کند. این صفحه اینستاگرامی اکنون بیش از ۹۲ هزار دنبال‌کننده و بیش از ۱۳۰۰ پُست دارد. به منظور گردآوری داده‌ها، از شماره اول تا ۲۱۰ «چند تکه حرف» به طور کامل مطالعه شده و جملاتی که حاوی دو عنصر منفی بوده‌اند استخراج و یادداشت‌برداری شده‌اند. این مجله غالباً دو بار در هفته در روزهای دوشنبه و جمعه منتشر می‌شود، هر شماره آن بین ۵ تا ۱۰ صفحه است و در آن مطالب

مختلفی درباره موضوعات گوناگون ورزشی، فرهنگی، هنری و اجتماعی یافت می‌شود. دلیل انتخاب این مجله اینستاگرامی به عنوان منبع داده‌ها این بوده است که نوشته‌های منتشر شده در آن غالباً سبک غیررسمی و محاوره‌ای دارد و از کلیشه‌ها و محدودیت‌های زبان نوشتاری مطبوعات رسمی مانند روزنامه‌ها به دور است. بنابراین، زبان مورد استفاده در این نوشته‌ها به زبان روزمره فارسی‌زبانان بسیار نزدیک‌تر است.

۵. تحلیل داده‌ها

در این بخش، داده‌های پژوهش مورد تحلیل قرار می‌گیرند. در این تحلیل، انواع جمله‌های حاوی دو عنصر منفی از لحاظ ساختاری طبقه‌بندی می‌گردند و جنبه‌های معنایی آن‌ها بررسی می‌شود. در بررسی جملات حاوی دو عنصر منفی، این قاعده کلی لحاظ شده است که برای تولید جمله منفی وجود نشانگر منفی الزامی است البته به استثنای جملات حاوی فعل‌های ذاتا منفی (کواک، ۲۰۱۰). نشانگر منفی در فارسی پیشوند $nae-$ است که به صورت‌های $nae-$ ani-، $ne-$ و $mae-$ ظاهر می‌شود. بنابراین جمله‌هایی حاوی دو عنصر منفی قلمداد شده‌اند که فعل اصلی آنها منفی باشد و علاوه بر آن، یک عنصر منفی دیگر در آنها وجود داشته باشد.

۱.۵ ساختار نفی مضاعف

کواک (۲۰۱۰) نفی مضاعف را ساختاری می‌داند که در آن دو عنصر منفی وجود دارد که یکدیگر را خشی می‌کنند و در نتیجه جمله‌ای مثبت شکل می‌گیرد، مانند: «نباید او را نادیده گرفت». این نظر وی متأثر از این اصل منطقی است که می‌گوید نقیض نقیض یک گزاره برابر است با خود آن گزاره. این اصل را به صورت زیر بیان می‌کنند:

$$\neg(\neg p) = p$$

کواک (۲۰۱۰) ساختار توافقی منفی (مانند: هیچ‌کس نیامد) را علی‌رغم دارا بودن دو عنصر منفی، ناقل مفهوم منفی دانسته و آن را خلاف اصل منطقی بالا قلمداد می‌کند. تفاوت اساسی بین ساختار نفی مضاعف و ساختار توافقی منفی در همین نکته است.

۱.۱.۵ ساختار [فعل وجهی منفی + نشانگر نفی]

مهم‌ترین عناصر وجهی زبان فارسی عبارتند از «باید»، «شاید» و صیغه‌های مختلف فعل «توانستن». در بعضی موارد مشاهده می‌شود که در یک جمله هم عنصر وجهی و هم فعل اصلی به صورت منفی ظاهر می‌شوند.

- او نمی‌توانست این فیلم را بازی نکند.
- نباید به خاطر مسائل حاشیه‌ای از آنها حمایت نکرد. (= باید از آنها حکایت کرد)
- نباید باعث شود درباره بعضی گفتارهای غیرکارشناسانه اش حرفی نزنیم.

از آنجا که حضور این دو عنصر منفی در جمله موجب خنثی شدن مفهوم منفی می‌شود و مفهوم مثبت از جمله استنباط می‌گردد، باید آن را نوعی ساختار نفی مضاعف به‌شمار آورد. علاوه بر ساختار [فعل وجهی منفی + نشانگر نفی]، در زبان فارسی نفی مضاعف به دو صورت دیگر نیز ظاهر می‌شود، یکی [ضمیر نامعین منفی + نشانگر نفی] و دیگری [ضمیر نامعین مثبت + نشانگر نفی]. در ادامه همراه با ذکر مثال‌هایی به معرفی این دو ساختار می‌پردازیم.

۲.۱.۵ ساختار [ضمیر نامعین منفی + نشانگر نفی]

«هیچ» ضمیر نامعین منفی در زبان فارسی است. اگر این ضمیر در جمله دارای فعل منفی به کار رود ساختار نفی مضاعف شکل می‌گیرد. البته لازم به ذکر است که در این ساختار عنصر «هیچ» باید در جایگاهی غیر از فاعل باشد، زیرا اگر در جایگاه فاعل قرار بگیرد ساختار توافق منفی حاصل خواهد شد که در ادامه بحث به آن پرداخته خواهد شد.

- من هیچ (یا هیچی) ندیدم.
 - او هیچ (هیچی) نگفت.
 - آنها حدود یک سال است درباره تعطیلی برنامه نود هیچ توضیح خاصی نداده‌اند.
 - به نقطه‌ای رسیده‌ایم که بررسی کمدها و مخاطبان آنها هیچ اهمیتی ندارد.
- در دو مثال اول بالا به جای ضمیر «هیچ» می‌توان از ترکیب [هیچ + اسم] نیز استفاده کرد. برای مثال:

- من هیچ چیزی ندیدم.

- او هیچ سخنی نگفت.

کوپیر و همکاران (۲۰۰۷) این ساختار نفی مضاعف را یکی از انواع نفی مضاعف در زبان‌های دنیا می‌دانند که ترکیبی از یک منفی‌ساز جمله‌ای و یک ضمیر یا قید نامعین منفی است. نتایج مطالعات کارل (P. Kahrel) (۱۹۹۶) درباره نفی در زبان‌های مختلف نشان می‌دهد که از بین ۴۰ نمونه از زبان‌ها که به‌نوعی نماینده تمامی زبان‌های دنیا محسوب می‌شوند، در ۳۵ زبان این نوع نفی مضاعف را می‌توان یافت.

۳.۱.۵ ساختار [ضمیر نامعین مثبت + نشانگر نفی]

نوع دیگری از نفی مضاعف که در زبان فارسی کاربرد دارد، از ترکیب یک نشانگر منفی با یک ضمیر نامعین مثبت است. به گفته کوپیر و همکاران (۲۰۰۷)، این نوع نفی مضاعف نیز در زبان‌های دنیا رایج است.

- دیگه چیزی نیست که بخوام بهش فکر کنم.

- چیزی نیست که بخوام ببازم.

«چیزی» که صورت نکره «چیز» است، یک ضمیر نامعین مثبت است. این ساختار از لحاظ معنایی معادل با ساختار [قید/ضمیر منفی + نشانگر نفی] است زیرا عبارتهایی مانند «هیچ چیز» و «هیچ کس» را می‌توان با معادل مثبت آنها، یعنی «چیزی» و «کسی»، جای‌گزین کرد:

- من هیچ چیزی ندیدم. (= من چیزی ندیدم)

- هیچ‌کسی آنجا نبود. (= کسی آنجا نبود)

با توجه به شواهد فوق به نظر می‌رسد که کاربرد واژه «هیچ» در این موارد تأثیری بر قطبیت جمله ندارد و تنها تا حدی درجه نفی جمله را تشدید می‌کند. در مثال‌های فوق، شدت نفی در جملات حاوی «هیچ» بیشتر از معادل‌های داخل پرانتز آنهاست، به‌ویژه درحالی که واژه «هیچ» با تکیه ادا شود. نکته قابل توجه درباره ساختارهای ب و ج بالا این است که عناصر منفی موجود در آنها یکدیگر را خنثی نمی‌کنند و به همین دلیل

معنای نهایی حاصل از جمله منفی است. با وجود این، کوپیر و همکاران (۲۰۰۷) این ساختارها را نفی مضاعف می‌نامند. این در حالی است که از نظر عده‌ای از پژوهش‌گران (مانند کواک، ۲۰۱۰) در ساختار نفی مضاعف دو عنصر منفی باید الزاماً یکدیگر را خنثی کنند و در نتیجه معنای مثبت حاصل شود.

در پژوهش‌های اندکی که پیش از این درباره نفی مضاعف در زبان فارسی انجام گرفته (مانند کواک، ۱۳۸۷، ۲۰۰۹) دسته‌بندی دقیق و مشخصی از این ساختارها ارائه نشده است. ما در اینجا براساس داده‌های پژوهش، نفی مضاعف را از لحاظ ساختاری به سه دسته مشخص تقسیم کرده‌ایم: [فعل وجهی منفی + نشانگر نفی]، [ضمیر نامعین منفی + نشانگر نفی] و [ضمیر نامعین مثبت + نشانگر نفی]. این سه ساختار از لحاظ معنایی تفاوت مهمی با هم دارند، در حالی که در ساختار اول وجود دو عنصر منفی همدیگر را خنثی می‌کنند و مفهومی مثبت حاصل می‌شود، در دو ساختار بعدی مفهوم نهایی جمله منفی خواهد بود. بنابراین، همسو با دیدگاه کوپیر و همکاران (۲۰۰۷) و برخلاف دیدگاه کواک (۲۰۱۰)، نمی‌توان گفت که در نفی مضاعف دو عنصر منفی الزاماً یکدیگر را خنثی می‌کنند. از نظر معنایی، ساختار نفی مضاعف فارسی دارای دو معنای تخفیفی یا تشدید است که در بخش ششم مقاله به آن خواهیم پرداخت.

۲.۵ ساختار توافق منفی

مهمترین عنصر توافق منفی در زبان فارسی «هیچ» است که ضمیر نامعین منفی بوده و عمدتاً در جملات منفی به کار می‌رود. البته این عنصر می‌تواند با واژه‌هایی از مقوله اسم یا ضمیر نیز همراه شود که در این حالت نقش صفت نامعین منفی را می‌پذیرد. عبارت‌هایی از قبیل هیچ‌کس، هیچ‌چیز، هیچ‌وقت، هیچ‌گاه، هیچ‌جا دارای ساختار [هیچ + اسم/ضمیر] هستند. عناصر توافق منفی ذاتاً منفی‌اند و از آنجایی که فقط در جملات منفی امکان حضور دارند، جمله دارای دو عنصر منفی خواهد بود که یکی نشانگر نفی است و دیگری عنصر توافق منفی. اگر «هیچ» و مشتقات آن در جایگاه فاعل جمله منفی قرار گیرند ساختار توافق منفی حاصل می‌شود. در ذیل نمونه‌هایی از ساختار توافق منفی در زبان فارسی ارائه شده است:

- هیچ‌کس نیامد.

- در دوره زمانه ما هیچ ویروسی به اندازه آنفولانزا نمونه جدید نداشته است.
- موج‌سواری و پوپولیسیم هیچ ارتباطی با مردمی بودن ندارد.
- از جزئیات و حتی صحت آنچه گفته و نوشته شده هیچ اطلاعات خاصی ندارم.

نکته جالب توجه در مورد ساختار توافق منفی در فارسی این است که در آنها می‌توان ضمائر نامعین منفی را حذف کرد بدون آنکه معنای جمله دستخوش تغییر شود، درست مانند ساختار نفی مضاعف که در بالاتر مورد بررسی قرار گرفت. در نتیجه، مثال‌های بالا را می‌توان به صورت زیر بازنویسی کرد:

- کسی نیامد.
- در دوره زمانه ما ویروسی به اندازه آنفولانزا نمونه جدید نداشته است.
- موج‌سواری و پوپولیسیم ارتباطی با مردمی بودن ندارد.
- از جزئیات و حتی صحت آنچه گفته و نوشته شده اطلاعات خاصی ندارم.

در اینجا نیز می‌بینیم که ضمیر نامعین منفی «هیچ» و مشتقات آن می‌توانند با معادل‌های مثبت خود جایگزین شوند بدون آنکه معنای جمله تغییر کند. مثال‌های زیر این موضوع را به‌خوبی نشان می‌دهند:

- الف- هیچ‌کس او را نمی‌شناخت (= کسی او را نمی‌شناخت)
- ب- او هیچ‌کس را نمی‌شناخت. (= او کسی را نمی‌شناخت)

جمله (الف) دارای ساختار توافق منفی است و هیچ‌کس در جایگاه فاعل آن ظاهر شده است. اما جمله (ب) ساختار نفی مضاعف دارد زیرا «هیچ‌کس» در جایگاه مفعول آن است. با وجود این، در هر دو جمله می‌توان «هیچ‌کس» را با عنصر مثبت «کسی» جای‌گزین کرد بدون آنکه معنای جمله تغییر کند.

طالقانی (۲۰۰۸) به پیروی از سنت دستور زایشی، واژه‌های منفی‌ای را که از ترکیب با «هیچ» ساخته می‌شوند عناصر قطبیت منفی (NPI) در نظر می‌گیرد. در نقطه مقابل، کواک و درزی (۲۰۰۶) واژه‌های مورد نظر را جزء عناصر توافق منفی می‌دانند. انوشه (۱۳۹۶) نیز عناصری مانند «هیچ‌کس»، «هیچ‌گاه» و «هیچ‌چیز» را ذاتاً منفی و از نوع عناصر توافق منفی

دانسته است. برخلاف عناصر توافق منفی که ذاتا منفی‌اند، عناصر قطییت منفی ذاتا منفی نیستند (کواک، ۲۰۰۹).

۳.۵ ساختار [نه + فعل منفی]

اگر قید منفی «نه» در جمله دارای فعل منفی ظاهر شود ساختار نفی دوگانه شکل می‌گیرد، مانند مثال زیر:

- رفتی؟ - نه نرفتم.

کاربرد قید منفی «نه» که می‌تواند با «خیر» یا «نخیر» نیز جایگزین شود، تقویت نیروی منفی جمله است. در اینجا مخاطب می‌توانسته صرفا بگوید «نرفتم»، اما با آوردن قید منفی «نه» قبل از آن، مفهوم منفی «نرفتن» را تقویت و تشدید کرده است. البته از نظر آقایی (۱۹۹۳)، کلماتی مانند «نه»، «خیر»، «بله» و «آری» قید نیستند بلکه کلماتی هستند که خود معنای گزاره‌ای دارند و می‌توانند به جای جمله به کار روند. وی بر این اساس، دو جمله زیر را معادل یکدیگر می‌داند (همان: ۴۳):

- خیال نکنید که من او را می‌شناسم.

- نه خیال کنید که من او را می‌شناسم.

از نظر آقایی (۱۹۹۳: ۴۴)، «نه» همچنین می‌تواند در پاسخ به جملات سؤالی به جای یک گزاره کامل به کار رود:

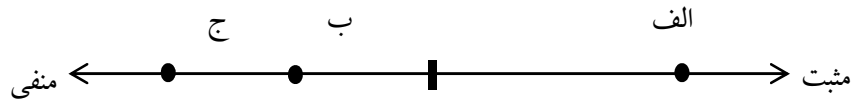
- بعضی‌ها قضیه را خیلی جدی می‌گیرند، اما من؟ - نه / جدی نمی‌گیرم.

به هر حال، قید منفی «نه» مفهوم منفی فعل جمله را نه تنها خنثی نمی‌کند بلکه آن را تقویت و تشدید می‌کند. در نتیجه، مفهوم سه جمله زیر را بر روی پیوستار قطییت مثبت/منفی می‌توان به شکل زیر نمایش داد:

الف- تعارف دارد.

ب- تعارف ندارد.

ج- نه تعارف ندارد.



نمودار فوق نشان‌دهنده آن است که جمله ج از لحاظ معنایی منفی‌تر از جمله ب است.

۴.۵ ساختار [نه ... نه + فعل منفی]

ساختار [نه الف (و) نه ب] ساختاری رایج در زبان فارسی است که به دلیل وجود عنصر منفی ساز «نه» در آن ساختاری منفی محسوب می‌شود. هرگاه این ساختار در جمله دارای فعل منفی ظاهر شود جمله حاصل از آن از نوع منفی مضاعف خواهد بود، مانند جملات زیر:

- سروش نه در انتخاب بازیگران و نه در هدایت آنها به بیراهه نرفته است.
- حال کتاب خوب نیست، نه جسمی نه روحی.
- امیدوارم نه گرمورها و نه بازیگرها به موج مبتدل فعلی تن ندهند.
- نه رفتارش نه گفتارش به هیچ‌کس شباهت نداشت.

این نوع جملات با اینکه حاوی چند عنصر منفی اند، اما به دلیل اینکه ساختار [نه الف (و) نه ب] را می‌توان به صورت مثبت بازنویسی کرد، قابل تبدیل به نفی منفردند. بازنویسی جملات بالا به صورت زیر خواهد بود:

- سروش در انتخاب بازیگران و در هدایت آنها به بیراهه نرفته است.
- حال کتاب خوب نیست، جسمی و روحی.
- امیدوارم گرمورها و بازیگرها به موج مبتدل فعلی تن ندهند.
- رفتار و گفتارش به هیچ‌کس شباهت نداشت.

به نظر می‌رسد علت استفاده از ساختار [نه الف (و) نه ب] در این جملات برای تاکید بر مفهوم نفی است و قرار گرفتن عنصر «نه» قبل از عبارت‌های مختلف اسمی، صفتی، قیدی بر فقدان و نبود آنها تاکید می‌کند.

۵.۵ ساختار [نه تنها ... بلکه + فعل منفی]

در این ساختار، فعل منفی بین دو عبارت «نه تنها» و «بلکه» قرار می‌گیرد و ساختاری با دو عنصر منفی به وجود می‌آورد، مانند مثال‌های زیر:

- عکس‌ها را که دیدم نه تنها حس بدی پیدا نکردم بلکه خوشحال هم شدم.
- نه تنها ارزشمند نیست بلکه شاید ضدارزش هم باشد.
- توضیح من نه تنها خیلی‌ها را قانع نکرد بلکه باعث حواشی بیشتری هم شد.
- اسمش در رسانه‌ها نه تنها فراموش نشده بود بلکه به محبوبیت بیش‌تری هم دست یافت.

تحلیل مثال‌هایی از این دست نشان می‌دهد که کاربرد عبارت [نه تنها ... بلکه] همراه با فعل منفی، می‌تواند تأکید را بر روی فعل منفی بیشتر کنند. مثال‌های فوق را می‌توان به شکلی بازنویسی کرد که عبارت [نه تنها ... بلکه] از آنها حذف شود اما درجه و شدت نیروی منفی جمله کاهش خواهد یافت، برای مثال:

- عکس‌ها را که دیدم حس بدی پیدا نکردم و خوشحال هم شدم.
 - ارزشمند نیست و شاید ضدارزش هم باشد.
 - توضیح من خیلی‌ها را قانع نکرد و باعث حواشی بیشتری هم شد.
 - اسمش در رسانه‌ها فراموش نشده بود و به محبوبیت بیشتری هم دست یافت.
- با مقایسه این جملات با معادل‌های بازنویسی‌شده آنها متوجه می‌شویم که وجود عبارت [نه تنها ... بلکه] بر شدت نیروی منفی می‌افزاید.

۶.۵ ساختار [قید زمانی منفی + فعل منفی]

«هرگز» و معادل‌های آن از قبیل «هیچ‌وقت» و «هیچ‌گاه» جزو قیدهای زمانی منفی در زبان فارسی هستند که می‌توانند در جمله دارای فعل منفی ظاهر شوند. در ساختار [قید زمانی منفی + فعل منفی] حضور دو عنصر نفی باعث ایجاد معنای مثبت نمی‌شود بلکه برعکس، معنای منفی فعل تقویت و تشدید می‌گردد. برای مثال:

- این جمله تلخ را هرگز فراموش نمی‌کنم.

- دریافت نشان شوالیه را هرگز مهم ندانسته‌ام.

در جمله‌های فوق، قید منفی «هرگز» تأکید بر منفی بودن فعل دارد و در نتیجه این جملات از نوع منفی مؤکد هستند. علاوه بر قیده‌های زمانی منفی «هرگز» و معادل‌های آن، قیده‌های مانند «اصلاً» «ابداً» و «عمرأ» نیز می‌توانند در ساختار فوق حضور یابند و به همراه فعل منفی، ساختاری با دو عنصر منفی تشکیل دهند. این قیده‌ها نیز در بردارنده مفهوم زمان هستند.

- عمرأ با احساسات شما بازی نمی‌کنم.

- تعداد افرادی که خریدنی نباشند اصلاً زیاد نیست.

- با فلان مجری ورزشی اصلاً و ابداً خصومت شخصی ندارم.

- اگر من جای او بودم عمرأ به پرسپولیس بر نمی‌گشتم.

این قیده‌ها از نظر رده‌شناختی در گروه قیده‌های ذاتاً منفی قرار می‌گیرند (منصوری، ۱۳۸۳). علاوه بر موارد فوق، موارد دیگری از قیده‌های زمانی منفی در زبان فارسی مشاهده می‌شود که از آن جمله می‌توان به «تحت هیچ شرایطی»، «به‌هیچ عنوان» و «یه هیچ وجه» اشاره کرد. این موارد نیز از لحاظ معنایی و کاربردی شبیه به «هرگز» عمل می‌کنند، مانند:

- تحت هیچ شرایطی موج‌سواری نکردم.

- به هیچ عنوان نمی‌دانم زندگی اینستاگرامی من تا کی ادامه دارد؟

- البته یادمان نرود که حال تیم ملی در سال ۹۸ به هیچ عنوان خوب نبود.

همه قیده‌های فوق و سایر قیده‌های هم‌معنی با آنها که آنها را می‌توان با برچسب «قید زمانی منفی» مشخص کرد تنها در جمله منفی جواز حضور دارند و در نتیجه جزء عناصر توافق منفی محسوب می‌شوند. حضور این قیده‌ها نقش تشدیدکننده دارد و نیروی منفی جمله را تقویت می‌کند. با مقایسه صورت‌های مثبت و منفی جملات واحد به طیفی از معانی مثبت و منفی می‌رسیم که به خوبی نشان می‌دهد مفاهیم مثبت و منفی

مفاهیمی دوتایی یا صفر و یکی نیستند، بلکه روی یک پیوستار قرار می‌گیرند. برای توضیح این مطلب ۴ جمله زیر را در نظر می‌گیریم:

الف- من همیشه می‌رم. (مثبت)

ب- من همیشه نمی‌رم. (منفی)

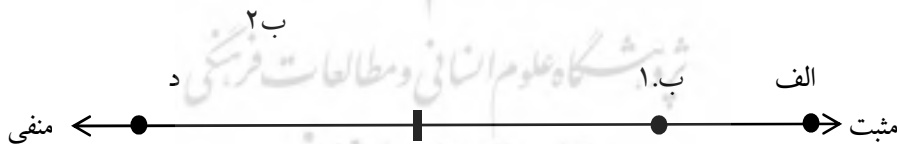
- ب.۱- بعضی وقت‌ها می‌رم. (خوانش اول)

- ب.۲- هیچ وقت نمی‌رم. (خوانش دوم)

ج- * من هرگز می‌رم.

د- من هرگز نمی‌رم. (نفی دوگانه)

در مثال‌های بالا جمله (ب) دارای دو خوانش متفاوت است. ۱- همیشه نمی‌رم، بعضی وقت‌ها می‌رم. ۲- هیچ وقت نمی‌رم. در اینجا می‌بینیم که جمله (د) که حاوی دو عنصر منفی است از لحاظ معنایی با خوانش اول جمله (ب) که فقط حاوی یک عنصر منفی است، یکسان است. به عبارت دیگر، نفی دوگانه معادل است با نفی منفرد. این درحالی است که خوانش اول این جمله (ب.۱) دارای مفهوم مثبت است و اگر آن را روی نمودار نشان دهیم در نیمه مثبت قرار می‌گیرد. جمله (ج) غیردستوری است چرا که عناصر مطابقت منفی در زبان فارسی نمی‌توانند با فعل مثبت همراه شوند. نمودار زیر محل قرارگرفتن جمله‌های الف، ب و د را روی پیوستار قطبیت مثبت/منفی نشان می‌دهد.



۷.۵ ساختار [پیشوند منفی ساز + فعل منفی]

زبان فارسی دارای پیشوندهای منفی ساز متعددی است که حضور آنها در جایگاه پیش از اسم یا صفت موجب ایجاد عنصر منفی می‌شود. هرگاه این نوع عناصر منفی در جمله دارای فعل منفی قرار بگیرند ساختاری با دو عنصر منفی ایجاد می‌شود. وندهای منفی ساز

بررسی ساختاری و معنایی جمله‌های دارای ... (مریم ارغوانی و دیگران) ۲۱

فارسی عبارتند از «بی، پاد، ضد، غیر، لا، نَ و نا» (شقاقی، ۱۳۸۱) که می‌توانند به واژه‌هایی از مقوله اسم یا صفت اضافه شوند و اسم یا صفت منفی بسازند.

- او نالایق نیست.

- این امر غیرممکن نیست.

- البته ناامیدی در قاموس من و بسیاری از رفقایم جایی ندارد.

- این تیم هم از عوارض کودتا در فوتبال ما بی‌نصیب نمی‌ماند.

لازم به ذکر است که ساختار [صفت منفی + فعل منفی] به مراتب پربسامدتر از ساختار [اسم منفی + فعل منفی] است. کاربرد واژه‌های دارای پیشوند منفی‌ساز به شکل‌گیری نفی واژگانی منجر می‌شود و همراه شدن آنها با فعل منفی تلفیقی از نفی واژگانی و نفی جمله‌ای به وجود می‌آورد. تلفیق این دو نفی از لحاظ معنایی وضعیت پیچیده‌ای را پدید می‌آورد. برای مثال، جمله مثبت زیر را در نظر بگیرید:

- او تمام روز خوشحال بوده است.

اگر بخواهیم دقیقاً نقطه مقابل این گزاره را بیان کنیم باید از نفی واژگانی استفاده کنیم و بگوییم:

- او تمام روز ناراحت بوده است.

این دو جمله هم از لحاظ بازه زمانی و هم از لحاظ وضعیت روانی فرد مورد نظر (یعنی او) درست عکس یکدیگر هستند. اما اگر نفی واژگانی و جمله‌ای با هم همراه شوند جمله زیر حاصل می‌شود:

- او تمام روز ناراحت نبوده است.

این نفی دوگانه دارای پیچیدگی معنایی است و حداقل دو تعبیر دارد:

۱. او در ساعاتی از روز ناراحت بوده است اما نه در تمام ساعات روز.

۲. او در تمام ساعات روز ناراحت نبوده است اما خوشحال هم نبوده است.

۸.۵ ساختار [مصدر منفی + فعل منفی]

این ساختار را می‌توان زیرطبقه‌ای از ساختار قبلی، یعنی [پیشوند منفی‌ساز + فعل منفی]، دانست زیرا مصدر منفی حاصل افزودن پیشوند منفی‌ساز «ن» به ابتدای مصدر فعل است. مثال‌هایی از این ساختار در ذیل آمده است:

- من هنوز به ندیدن پدر بزرگ عادت نکرده‌ام.
- نخریدن علاج نیست.
- ادامه ندادن کار ما نیست.

دو عنصر منفی در جمله‌های فوق تا حدی یکدیگر را خنثی می‌کنند و در نتیجه این جملات را می‌توان به صورت مثبت بازنویسی کرد، برای مثال:

- من به دیدن پدر بزرگ عادت کرده‌ام.
- خریدن علاج است. (یا یکی از راه‌های علاج است).
- ادامه دادن کار ما است.

۹.۵ ساختار [نشانگر نفی + فعل ذاتا منفی]

از نظر کواک (۲۰۱۰) افعال ذاتا منفی مانند «متنفر بودن» و «انکار کردن» باعث می‌شوند بدون حضور عناصر منفی در جمله معنای نفی از آن استنباط شود، مانند:

- من این موضوع را انکار می‌کنم.

در این جمله گرچه هیچ عنصر منفی‌ای وجود ندارد اما معنای نفی از آن استنباط می‌شود. حال اگر به فعل ذاتاً منفی نشانگر نفی «ن» اضافه شود در آن صورت ساختاری حاوی دو عنصر منفی خواهیم داشت که از لحاظ معنایی یکدیگر را خنثی می‌کنند و نتیجه آن مثبت خواهد بود.

- من این موضوع را انکار نمی‌کنم. (≈ تأیید می‌کنم)
- پیشنهاد او را رد نکرد (≈ قبول کرد)

- بعید نیست او را نخواهند. (≈ محتمل است او را نخواهند)
- انکار نمی‌کنم که نتوانستم در برابر منطق و استدلالش مقاومت کنم. (تایید می‌کنم که نتوانستم در برابر منطق و استدلالش مقاومت کنم)

اما لازم به ذکر است که نیروی مثبت در دو جمله بالا به اندازه جمله مثبت معادل آنها قوی نیست. به عبارت دیگر، «انکار نکردن» لزوماً به معنای «تایید کردن» نیست و «رد نکردن» لزوماً به معنای «قبول کردن» نیست بلکه ممکن به مفهوم ختثایی در نقطه صفر پیوستار مثبت-منفی اشاره داشته باشد. بنابراین، مفهوم جمله بالا می‌تواند این باشد که «پیشنهاد او را رد نکرد اما قبول هم نکرد». به منظور تبیین دقیق‌تر این موضوع چهار جمله زیر را در نظر بگیرید:

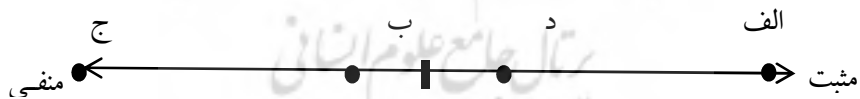
الف- تایید می‌کنم. (مثبت)

ب- تایید نمی‌کنم. (تلویحا منفی ≈ انکار می‌کنم)

ج- انکار می‌کنم. (منفی)

د- انکار نمی‌کنم. (تلویحا مثبت ≈ تایید می‌کنم)

مورد (ب) صورت منفی منفرد است و از لحاظ معنایی منفی است. «تایید نکردن» تلویحا به معنای «انکار کردن» است و در نتیجه از لحاظ معنایی در نیمه منفی پیوستار قرار می‌گیرد. اما از لحاظ شدت نفی خفیف‌تر از جمله (ج) است. مورد (د) که صورت منفی مضاعف دارد، تلویحا به معنای «تایید کردن» است و در نتیجه در نیمه مثبت پیوستار قرار می‌گیرد هرچند شدت آن کمتر از (الف) است.



تعامل عناصر منفی «هیچکس» و «هیچ چیز» با فعل‌های ذاتاً منفی در زبان فارسی مبحثی جالب و قابل توجه است. قبلاً گفتیم که این دو عنصر در جایگاه فاعل فقط با فعل منفی می‌توانند همراه شوند و حضور آنها در کنار فعل مثبت باعث تولید جمله‌ای غیردستوری می‌شود. اما در مثال‌های زیر می‌بینیم که حضور «هیچکس» در جمله دارای فعل

ذاتا منفی مجاز نیست و از این لحاظ، فعل‌های ذاتا منفی از این لحاظ مشابه فعل‌های مثبت عمل می‌کنند.

- * هیچ‌کس انکار کرد.

- هیچ‌کس انکار نکرد.

این مثال‌ها نشان می‌دهد که فعل‌های ذاتا منفی هرچند از نظر معنایی منفی‌اند اما در همراهی با عناصر توافق منفی، مانند «هیچ‌کس»، صورت آنها ملاک خواهد بود و در نتیجه به صورت مثبت نمی‌توانند عناصر توافق منفی را در جایگاه فاعل خود بپذیرند.

۱۰.۵ ساختار [پیونددهنده منفی + فعل منفی]

منظور از پیونددهنده منفی عباراتی نظیر «نه اینکه»، «این طور نیست که»، «به نظر نرسیدن» و «مبادا» است که همان‌طور که روشن و باقری (۱۳۹۲) نیز اشاره کرده‌اند، جمله بعد از خود را منفی می‌کنند. حال اگر جمله بعد از این پیونددهنده‌ها دارای فعل منفی باشد، ساختاری با دو عنصر منفی خواهیم داشت.

- مبادا نتوانی زحماتش را جبران کنی.

- به نظر نمی‌رسید که در امتحان قبول نشود.

- این‌طور نیست که نشود با او روبرو شد.

- مبادا نتوانی بهترین چیزها را برای فرزندان فراهم کنی.

دو عنصر منفی موجود در این جملات به نوعی با هم در تعارضند و مفهوم هم‌دیگر را به طریقی خنثی می‌کنند. این موضوع را در معادل‌های مثبت مثال‌های فوق می‌توان مشاهده کرد:

- باید بتوانی زحماتش را جبران کنی.

- به نظر می‌رسید که در امتحان قبول شود.

- این‌طور است که می‌شود با او روبرو شد.

- باید بتوانی بهترین چیزها را برای فرزندان فراهم کنی.

۱۱.۵ ساختار [عدم/فقدان + فعل منفی]

اسم‌هایی مانند «فقدان» و «عدم» نیز برای منفی‌سازی به کار می‌روند (روشن و باقری، ۱۳۹۲). به این موارد می‌توان «نبود» را نیز اضافه کرد. کاربرد این اسامی که آنها منفی اسمی می‌نامند (برای مثال، منصوری، ۱۳۹۰)، در جملات دارای فعل منفی منجر به شکل‌گیری جملاتی با دو عنصر منفی می‌شود، مانند:

- عدم اعتنا به این پیشنهاد عواقب خوبی برای شرکت دربرداشت.
- فقدان کلسیم باعث کم‌خونی نمی‌شود.
- فقدان مدیریت کارآمد نیز آنها را مجبور به استعفا نکرد.
- عدم آگاهی از این موضوع او را مضطرب نکرد.

۶. تحلیل معنایی

تحلیل معنایی ساختارهای فوق‌الذکر که همگی دارای دو عنصر منفی‌اند نشان می‌دهد که حاصل تعامل دو عنصر منفی در آنها از لحاظ معنایی قابل طبقه‌بندی به دو دسته است: معنای تخفیفی و معنای تشدید.

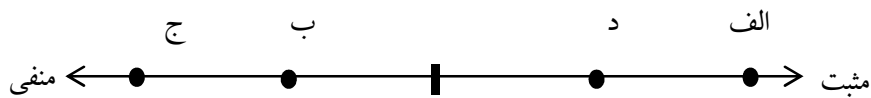
۱.۶ معنای تخفیفی

در بعضی از ساختارها عنصر منفی‌ساز دوم موجب می‌شود از شدت نیروی منفی عنصر اول کاسته شود و در نتیجه معنای جمله از لحاظ شدت نفی ضعیف‌تر از جمله دارای یک عنصر منفی باشد. این موضوع را می‌توان در ساختار [پیشوند منفی‌ساز + فعل منفی] به وضوح مشاهده کرد که در ادامه مثالی از آن را بررسی می‌کنیم.

با توجه به اینکه در جمله‌های بررسی‌شده در این مطالعه حداقل دو عنصر منفی وجود دارد، با در نظر گرفتن معادل مثبت هر یک از آنها، در مجموع چهار ساختار متفاوت می‌توان داشت. این چهار ساختار عبارتند از: مثبت، منفی (یا نفی منفرد)، مثبت با عنصر منفی و نفی دوگانه. منظور از مثبت با عنصر منفی، ساختاری است که در آن

فعل اصلی جمله مثبت است اما یک عنصر منفی در جمله وجود دارد. بررسی معنایی مثال‌های زیر این مطلب را روشن می‌سازد:

- الف- معلم از دانش‌آموزان راضی بود. (مثبت)
- ب- معلم از دانش‌آموزان راضی نبود. (منفی = نفی منفرد)
- ج- معلم از دانش‌آموزان ناراضی بود. (مثبت با عنصر منفی)
- د- معلم از دانش‌آموزان ناراضی نبود. (نفی دوگانه)



۲.۶ معنای تشدید

بعضی اوقات عنصر منفی ساز دوم با هدف تقویت و تشدید مفهوم نفی به جمله اضافه می‌شود. در ساختار [قید زمانی منفی + فعل منفی] استفاده از عنصر منفی ساز دوم مانند «هرگز» و معادل‌های آن غالباً دارای انگیزه کاربردشناختی (Pragmatic motivation) است و به منظور تشدید نیروی منفی جمله به کار می‌رود.

۳.۶ خنثی‌سازی معنای منفی

آنچه در بدو امر انتظار می‌رود این است که وجود دو عنصر منفی در یک جمله واحد باعث خنثی شدن مفهوم منفی آنها شود و در نتیجه، جمله حاصل از لحاظ معنایی معادل جمله مثبت باشد. اما واقعیت به گونه دیگری است و همان‌طور که در بالاتر گفته شد، وجود دو عنصر منفی می‌تواند مفهوم منفی فعل جمله را تخفیف دهد یا تشدید کند. البته در مواردی نیز خنثی‌سازی به چشم می‌خورد و دو عنصر معنای همدیگر را خنثی می‌کنند اما نه به طور کامل بلکه به‌طور جزئی. برای مثال، در ساختار [عدم/فقدان + فعل منفی] دو عنصر منفی تا حدی یکدیگر را خنثی می‌کنند.

- عدم اعتنا به این پیشنهاد عواقب خوبی برای شرکت دربرداشت.

در این جمله، عنصر منفی «عدم» و فعل منفی «نداشت» نیروی منفی یکدیگر را تا حدی خنثی می‌کنند و در نتیجه جمله را می‌توان به نوعی معادل جمله مثبت زیر دانست:

- اعتنا به این پیشنهاد عواقب خوبی برای شرکت دربرداشت.

با وجود این، دو جمله فوق دقیقاً معادل یکدیگر نیستند و نمی‌توان گفت که جمله دوم استلزام معنایی جمله اول است. به عبارت دیگر، نمی‌توان گفت چون عدم اعتنا به این پیشنهاد عواقب خوبی برای شرکت دربرنداشته است، پس لزوماً اعتنا به این پیشنهاد عواقب خوبی برای شرکت دربردارد. ما این نوع تعامل معنایی بین دو عنصر منفی را «خنثی‌سازی جزئی» می‌نامیم که در آن یک عنصر منفی نیروی منفی عنصر دیگر را نه به‌طور کامل بلکه به‌صورت جزئی خنثی می‌کند.

بررسی معنایی نفی دوگانه نشان می‌دهد که نفی مقوله‌ای صفر و یکی نیست و نمی‌توان بین نفی و اثبات مرز مشخص و قاطعی ترسیم کرد. به عبارت دیگر، نمی‌توان گفت نفی دقیقاً نقطه مقابل اثبات است بلکه باید گفت نفی و اثبات با یکدیگر تعامل و ارتباط پیچیده‌ای دارند و هر دوی آنها روی یک پیوستار معنایی قرار می‌گیرند که یک سر آن کاملاً منفی و سر دیگر آن کاملاً مثبت است و جملات مثبت، منفی منفرد، منفی دوگانه و غیره در نقاط مختلفی از این پیوستار قرار می‌گیرند. این واقعیت همسو با دیدگاه زبان‌شناسی شناختی است که مقولات مفهومی را نه به صورت صفر و یک، بلکه به صورت پیوستاری می‌بیند و ماهیت آنها را فازی^{۴۶} می‌داند (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۲۸-۲۹). فازی بودن مفهوم نفی باعث می‌شود که میزان نفی یا اثبات در جملات دارای شدت و ضعف باشد؛ یعنی جمله‌ای از لحاظ مثبت یا منفی بودن قوی‌تر یا ضعیف‌تر از جمله دیگر باشد.

۷. نتیجه‌گیری

به گفته ازرایل (M. Israel) (۲۰۰۴)، جمله منفی پیچیده‌تر و نشاندارتر از جمله مثبت است و این دو دارای خاستگاه‌های مستقلی هستند. همچنین، در زبان‌های طبیعی بشری، برخلاف زبان‌های ساختگی، ساختارهایی را می‌توان یافت که به یکی از این دو قطب (یعنی مثبت و منفی) تعلق دارند. ما در این پژوهش با بررسی و طبقه‌بندی انواع ساختارهای حاوی

دو عنصر منفی در زبان فارسی نشان دادیم که مفهوم نفی (حداقل در زبان فارسی) مفهوم پیچیده‌ای است و تعامل دو عنصر منفی در یک جمله واحد بعضی اوقات وضعیت معنایی پیچیده‌ای را به وجود می‌آورد که تحلیل آن مستلزم اتخاذ رویکردی پیوستاری است. به عبارت دیگر، هرچند مفاهیم مثبت و منفی را در زبان‌شناسی تحت عنوان مقوله «قطبیت» مطرح می‌کنند اما این دو مفهوم به هیچ وجه قطبی یا صفر و یک نیستند بلکه طیفی و پیوستاری‌اند.

تحلیل معنایی جمله‌های حاوی دو عنصر منفی نشان می‌دهد که تعامل دو عنصر منفی در یک جمله نتیجه‌ای دوگانه به همراه می‌آورد که در نقطه مقابل هم قرار دارند، یکی معنای تخفیفی و دیگری معنای تشدید. اینکه معنای تخفیفی در کدام جمله و معنای تشدید در کدام جمله ظاهر شود بستگی به ساختار جمله و نوع عناصر منفی در آن دارد. علاوه بر این، دو عنصر منفی گاهی یکدیگر را خنثی می‌کنند و در نتیجه جمله حاصل از آن‌ها دربردارنده مفهوم مثبت خواهد بود. بنابراین، ساختارهای حاوی دو عنصر منفی در زبان فارسی از لحاظ معنایی قابل طبقه‌بندی در سه دسته تشدید، تخفیفی و خنثی هستند که روی یک پیوستار قرار می‌گیرند. در دو انتها این پیوستار خنثی‌ترین و شدیدترین معنای منفی قرار دارند و در نقاط میانی آنها معنای با شدت نفی خفیف‌تر واقع می‌شوند.

طبقه‌بندی ساختاری و معنایی جملات حاوی دو عنصر منفی که در این پژوهش ارائه شده است یافته‌ای نو در زمینه مطالعات مربوط به نفی و منفی‌سازی در زبان فارسی است و می‌تواند مبنای پژوهش‌های بیشتر در این زمینه قرار گیرد. تا جایی که نگارندگان اطلاع دارند، پیش از این طبقه‌بندی جامعی از ساختارهای حاوی دو عنصر منفی چه به لحاظ ساختاری و چه به لحاظ معنایی در هیچ زبانی ارائه نشده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که حضور همزمان دو عنصر منفی در جملات فارسی موجب تنوع و پیچیدگی ساختاری و معنایی قابل توجهی می‌شود.

در انتها لازم اشاره شود که ما ادعا نمی‌کنیم که همه ساختارهای دارای دو عنصر منفی را در زبان فارسی شناسایی و تحلیل کرده‌ایم، بلکه براساس پیکره داده‌ها، ساختارهای موجود در آن را استخراج و بررسی نموده‌ایم. بدون شک، موضوع نفی و به‌خصوص تعامل دو یا چند عنصر منفی در یک جمله واحد موضوع پیچیده و گسترده‌ای است و تحلیل جامع و همه‌جانبه آن نیاز به پژوهش‌های متعدد و گسترده‌ای دارد. نتیجه این پژوهش‌ها می‌تواند

بسط یا اصلاح طبقه‌بندی ارائه‌شده در پژوهش حاضر باشد و جنبه‌های بیشتری از پیچیدگی و تنوع ساختاری و معنایی این نوع جملات را در زبان فارسی بر ما آشکار سازد.

کتاب‌نامه

- انوشه، مزدک (۱۳۹۶). جایگاه فرافکن نفی و مجوزدهی به هیچ‌واژه‌ها در فارسی بر پایه نظریه صرف توزیعی. *پژوهش‌های زبانی*، ۸ (۱)، ۱-۲۰.
- رضایی، والی، آزادمنش، مهناز (۱۳۹۷). رده‌شناسی نفی در زبان فارسی: انگاره نقشه معنایی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، سال ۸، شماره ۱۵، ۵۵-۶۷.
- روشن، بلقیس و شهلا باقری (۱۳۹۲). آیا هر جمله مثبت فارسی یک نظیر منفی دارد؟ *ادب پژوهی*، ۲۵، ۱۶۱-۱۷۷.
- شقایق، ویدا (۱۳۸۱). پیشوند نفی در زبان فارسی. *نامه فرهنگستان*، ۲۰، ۸۵-۹۶.
- کواک، سه‌را (۱۳۸۷). *ساخت جملات منفی در زبان فارسی*. رساله دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه تهران.
- منصوری، مهرزاد (۱۳۸۳). نفی در زبان فارسی از منظر رده‌شناسی زبان. *مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی*، ۳۳۹-۳۵۰.
- منصوری، مهرزاد (۱۳۹۰). *نفی در زبان فارسی از منظر رده‌شناسی زبانی*. بازیابی شده از نشانی <https://www.academia.edu/4095966/negation-pr-word>

- Aghai, B. (1993). *Negation Patterns in Persian: A Typological Approach*. M.A Thesis. Allameh Tabatabaei University.
- Blanchette, F. (2015). *English Negative Concord, Negative Polarity, and Double Negation*. PhD Dissertation. The City University of New York.
- de Cuypere, L., J. van der Auwera & K. Willems (2007). Double negation and iconicity. in: Elzbieta Tabakowska, Christina Ljungberg and Olga Fischer (eds.), *Insistent Images* (pp. 301-320). Amsterdam: John Benjamins.
- Evans, V., & Green, M. (2006). *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University.
- Horn, L. & Y. Kato (2000). Introduction: Negation and Polarity at the Millennium. In: Horn and Kato (eds.), *Studies in Negation and Polarity* (pp. 1-19). Oxford: Oxford University Press.
- Israel, M. (2004). The Pragmatics of Polarity. In: L. R. Horn & G. Ward (eds.), *The Handbook of Pragmatics* (pp. 701-723). Malden: Blackwell.

- Jäger, A. (2008). *History of German negation*. Amsterdam: John Benjamins.
- Kahrel, P. (1996). *Aspects of Negation*. PhD dissertation, University of Amsterdam.
- Kwak, S. (2009). The Structure of Persian negative sentences. *Korean Middle East Society Journal*, 30 (2), 197-222.
- Kwak, S. (2010). Negation in Persian. *Iranian Studies*, 43(5), 621-636.
- Kwak, S., & Darzi, A. (2006). "The syntax and semantics of Persian NCI, hič-phrase". Proceeding of the 2nd workshop on the Persian language and computer (pp. 55-69). Tehran University.
- Lawler, J. (2011). Negation and negative Polarity. In: *The Cambridge Encyclopedia of the language sciences* (pp. 554-555). Cambridge: Cambridge University Press.
- Leech, G. (2006). *A Glossary of English Grammar*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Mahootian, Sh. (1997). *Persian*. London & New York: Rutledge.
- Miestamo, M. (2003). *Clausal Negation: A Typological Study*. PhD Dissertation, University of Helsinki.
- Miestamo, M. (2005). *Standard Negation: the Negation of Declarative verbal Main Clauses in a Typological Perspective*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Payne, J.R. (1985). Negation. In T. Shopen (ed), *Language Typology and Syntactic Description, Vol. 1*(pp. 197-242). Cambridge: Cambridge University Press.
- Richards, J. C. & Schmidt, R. (2010). *Longman Dictionary of Language Teaching and Applied Linguistics (4th ed.)*. London: Longman.
- Río Zamora, Vanesa del (2014). *Comparative Study of the Use of Double Negatives by Native English Speakers and Spanish Learners of English*. M.A Thesis. Universidad de Valladolid.
- Sanz Alonso, B. (1996). *La negación en español: Actuales tendencias en la enseñanza del español como lengua extranjera*. Obtenido de actas del VI Congreso Internacional de ASELE (pp. 379-384). España: Universidad de León.
- Zeijlstra, H.H. (2004). *Sentential negation and negative concord*. PhD dissertation. University of Amsterdam. Utrecht: LOT Publications.